|  |  |
| --- | --- |
| بررسی تاثیر معماری منطقه ای در باززنده سازی هویت  **مریم گلبازآزادستان1، حمزه غلامعلی زاده2**   1. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی واحد رشت ایران 2. استادیار گروه معماری دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان،رشت ایران | |
| Investigating the impact of regional architecture on identity regeneration  Maryam GolbazAzadsetan 1, Hamzeh Gholamalizadeh 2   1. Master Student of Architectural Engineering, Instiute of Higher Education,Jahad daneshgahi,Rasht,Iran 2. Assistant Prof. of Architecture, Faculty of Art and Architecture, guilan university,Rasht,Iran | |
|  | |
| \*Corresponding Author: Matin.golbaz@yahoo.com Matin.golbaz@yahoo.com: ایمیل نویسنده مسئول | |
| **چکیده** |  |

هویت از دیرباز برای بشر بحث برانگیز بوده است. تا حدی که اندیشمندان زیادی در مورد آن سخن گفته اند. مفهوم هویت تا قبل از دوران مدرن، مشخص و تعریف شده بود. هویتی جبری و در عین حال همگام با محیط و طبیعت. اما با ظهور مدرنیته و جهانی شدن، هویت چهارچوب و قاعده خویش را از دست داد. معماری که تا آن زمان به پشتوانه تاریخ و فرهنگ دارای معنا بود، بی هویت گشت. معماری منطقه ای پس از نقد های فراوان ازمدرنیته، ظهور کرد.این معماری سعی در آشتی دادن معماری گذشته با معماری مدرن دارد. حال این پرسش طرح می گردد که آیا معماری منطقه ای توان بازگشت هویت گمشده در معماری دارد؟ در این پژوهش پس از تعریف هویت و بیان نظریات اندیشمندان به بررسی معماری منطقه ای می پردازیم. برای این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد شد.

**واژه­هاي کليدي**

هویت، منطقه گرایی، معماری.

**Abstract**

Identity has long been controversial for mankind. To the extent that many scholars have spoken about it. The concept of identity had been clearly defined before the modern era. An algebraic identity, while keeping pace with the environment and nature. But with the advent of modernity and globalization, it has lost its identity as a framework. The architecture that until then was meaningful to history and culture became stateless. Regional architecture emerged after much criticism of modernity. This architecture seeks to reconcile past architecture with modern architecture. Now the question arises whether regional architecture can recover lost identity in architecture? In this research, after defining the identity and expression of the theories of scholars, we examine the regional architecture. The research will use a descriptive-analytical method.

**Keywords:** Identity, Regionalism, Architecture.

**1- مقدمه**

از زمانی که انسان شروع به شناخت خود کرد، مقوله هویت مطرح گردید؛ و هویت از دیرباز به عنوان یکی از دغدغه های انسان بیان بوده است. مفهوم و معنای هویت انسان، جزء قدیمی ترین مقوله های فلسفی بوده و تبادل نظرهایی توسط نظریه پردازان و بزرگان علوم اجتماعی کثیری در این زمینه شده است (سلیمانی, اعتصام, حبیب, & فرح, 2016). با این حال انسان در جوامع گذشته آگاهی درست و چندانی نسبت به عناصر و مولفه های هویت خود نداشت؛ و تا حد زیادی هویت، مفهومی مشخص، از پیش تعیین شده و ثابت در نظر گرفته می شد (م. ل. آبادی, 1392). به عبارت دیگر هویت خالت جبری داشت؛ و میزان مشارکت و نقش انسان در هویت بخشی به جوامع و سکونتگاه ها، متغیر هویت انسان در گذشته بود (تابان, پورجعفر, & پورمند, 1390). با تغییرات زندگی انسانی، این ثبات مفهومی هویت، تغییر یافت و دچار تناقض و پیچیدگی گردید.

پیچیدگی ها و تغییر مفهوم هویت در دوران مدرنیته سبب بحران هویت و تزلزل خاطر انسان در آن دوران گردید. در نتیجه ی این رویداد ها، مسئله ی مفهوم هویت و عوامل موثر آن حتی بیش از پیش بحث هایی به دنبال داشت. در حوزه های روان شناسی، فلسفی و جامعه شناسی به عنوان مسئله چالش برانگیز مطرح شد. در حوزه معماری، پس از جنگ جهانی دوم، با بروز انتقاداتی به معماری مدرن، مفهوم هویت ظهور کرد (سلیمانی et al., 2016). ساخت فضاهایی به شکی ساده با احجام خالص، گسستگی تاریخ و آنچه میراث گذشته به شمار می رفت، را به همراه داشت. با وجود حرکت، هوا و نور در فضا ها، نشاط، سرزندگی، تنوع از فضا ها رخت بر بست (تابان et al., 1390).

با ورود مدرنیته به کشور هایی همچون ایران، دو معیار بومی و مدرن در تقابل با هم قرار گرفتند. این تقابل در معماری، بحران هویتی را به دنبال داشت که بر گرفته از تفاوت پاسخ به چیستی معاری از دیدگاه این دو معیار بود. معماری از یک سو با سرعت به سمت مدرنیته و تکنولوژی حرکت می کرد و از سوی دیگر گذشته ی پر باری را رها کرده بود؛ در حالی که سبک پیشرو چیزی چندانی برای ارائه نداشت. یافتن راه حلی جهت گریز از این بحران امری غیر قابل پرهیز است (باغستانی & محمدخسرو, 1394).

در ایران، سرزمینی با هویت و خصوصیات فرهنگی، موضوع مهم، دستیابی به معماری با هویت است. امروزه نیاز به فضاهای با هویت شهری و روستایی، خواسته های عمومی جامعه بدل گشته است؛ به گونه ای که گروه های مختلف مردمی نیز از متقاضیان این امر هستند (نژاد, بمانیان, خاکسار, & ندا, 2012). هویت در حوزه ی معماری، دارای ماهیت ذهنی و کلی می باشد. بررسی ارتباط هویت و معماری توسط تحلیل کیفی امکان پذیر می باشد. در این پژوهش با استناد به روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای اطلاعات جمع آوری شده، این برسی صورت می گیرد.

**2- تعریف معنایی هویت**

هویت از دیدگاه مکاتب و حوزه های مختلف تعریف متفاوتی دارد:

علوم انسانی، هویت را کیستی، چیستی، همانی،فردیت و هویت فردی بیان می کند.

هویت در فرهنگ معین بدین گونه تعریف شده است: چیزی که موجب شناسایی فرد و تمایز آن با دیگری می شود.

هویت در فلسفه به عنوان یک حقیقت جزیی تعریف شده است. هنگامی که هر شی دارای ماهیت و تشخص گردد، آن دارای هویت خواهد بود. می توان اذعان داشت که هویت با تشخص و ماهیت همرا است و خود را از آن طریق آشکار می سازد (طاهره & حميد).

در زبان لاتین هویت برابر با واژه Identity است. Identity متشکل از دو بخش den که به معنای همان و entities به معنای وجود است (نجفی, 1395)؛ که در آکسفورد به معنای 1)چیستی و کیستی 2)احساسات، ویژگی ها و اعتقادات متمایز کننده افراد 3)حالات و ویژگی هایی که موجب تشابه فراد گردد، بیان شده است (Hornby, Wehmeier, & Ashby, 2005; طاهره & حميد).

**3- نگاه نظریه پردازان به هویت**

نظریه های متفاوتی در زمینه هویت توسط اندیشمندان علوم مختلف بیان شده است. در جدول 1 به اختصار برخی نظریه ها بیان شده است.

**جدول 1: نظریه اندیشمندان در مورد هویت**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | نظریه پرداز | نظریه |
| 1 | مانوئل کاستلز | فرایند ساخت یک معنا بر اساس یک یا چند ویژگی فرهنگی که بر دیگر ویژگی ها برتری دارند، هویت نامیده می شود.  سازماندهی معنا توسط هویت صورت می پذیرد (م. ل. آبادی, 1392). |
| 2 | استوارت هال | هویت تعلق به افرادی دارد که احساسات و افکار مشابه و بیان نزدیک به هم دارند (م. ل. آبادی, 1392).  هویت یک روند است که در حال تولد و رشد است؛ این روند عاملی برای شناخته شدن محسوب می شود (قطبی & ‌علی‌اکبر, 2008). |
| 3 | کاترین وود وارد | ارزیابی هویت از طریق تفاوت ها و تشابه ها صورت می پذیرد. (دشتگرد & دشتگرد, 1390) |
| 4 | دکارت | من می اندیشم پس هستم. اندیشه ماهیت انسان است. وی جوهر های سه گانه جسم، نفس، ذات باری را نیز بیان کرده است (سلیمانی et al., 2016) |
| 5 | ابن عربی | حقیقت باری تعالی، حقیقت تمام عالم را در بر دارد. هویت بیانگر حقیقت عالم نهان و غیب است (سلیمانی et al., 2016). |

هویت از دیدگاه معمارا و شهرسازان نیز مورد بحث قرار گرفته است:

راپاپوت هویت را بدین گونه تعریف می کند: هویت ویژگی از محیط است که در شرایط متفاوت تغییر نیافته و حتی سبب تفکیک و تمیز دادن شی از دیگر اشیا نیز می شود .وی بر دو نکته از هویت تاکید می کند: 1)هویت محیطی ضامن یک محتوای درونی است که ماهیت و ذات مختص به خود مشخص می سازد 2)مرزی مشخص برای جدا ساختن درون و بیرون خویش دارد (Rapoport, 1990; دانشپور). همچنین راپاپورت راه حلی هوشمندانه ای در زمینه ی ابراز هویت ارائه کرده است. اعتقاد وی بر این است که می بایست دو نوع ابراز هویت از هم تمیز داده شوند: 1)هویت فردی یا خصوصی که تنها توسط افراد آگاه نمود پیدا می کند 2) هویت عمومی که نمود هایی شناخته شده و روشن برای ابراز هویت می بایست داشته باشد (دشتگرد & دشتگرد, 1390).

به عقیده ی کریستوفر الکساندر، تجلی هویت در محیط زمانی رخ می دهد که رابطه ای منطقی و طبیعی بین انسان و محیط صورت پذیرد. اعتقاد وی برآن است که تعلق خاطری مابین انسان و محیط زندگی پیش نخواهد آمد مگر آنکه شناخت و درکی عمیق از محیط زندگی و تفکیک آن از محیط های دیگر باشد (Davis & Alexander, 1981).

**4- مفهوم هویت در معماری**

مفهوم هویت در اثر معماری موضوعی چالش برانگیز است؛ که اغلب نظریه پردازان مفهوم هویت را با مفاهیم دیگری بیان می کنند. برخی این مفهوم را معادل روح یا حس مکان در نظر گرفته، گروهی نیز به عنوان شخصیت فضا بیان کرده اند. اما تمامی آن ها به برخی ویژگی های خاص محیط اشاره دارند؛ که موجب یکتایی و تمایز یک محیط از سایر مکان ها شده و معنایی مشخص را بیان می کنند. به این ترتیب می توان مفهوم هویت را معادل معنای محیط در نظر گرفت و اختلاف میان دیدگاه های مختلف را در تمایز میان تعاریف و سطوح مختلف معنا بیان کرد (بهروز & محمدخسرو, 1397).

با توجه به تعریف هویت می توان بیان داشت که مفهوم هویت در معماری بیانگر معنایی از یک اثر برای مخاطب است؛ و این امر باعث هویت بخشی به معماری می شود. هویت با توجه به فرهنگ، تاریخ و گذشته، می تواند موجب ارتباط معماری با فرهنگ خاص منطقه ای شود. مجموعه ای از خصوصیات، نشانه ها، ارزش ها و نماد های یک منطقه یا جامعه در هویت وجود دارد (زاده & نقی, 2000). با استفاده از این مجموعه می توان مکان را برای بیننده خاطره انگیز کرد. این خاطره انگیزی معماری را هویت مند تر خواهد نمود. چنین هویتی معنا را به معماری افزوده و موجب این همانی و احساس تعلق در مکان می گردد. هر چه معنا بیشتر باشد احساس تعلق و این همانی نیز تقویت می شود (شعبانپورخسروآبادی & امیرنژادمژدهی, 1394). یک اثر معماری با هویت ارتباطی عمیق با کاربران دارد؛ به طوری که یک اثر معماری می تواند به عنوان یک نماد تشخص یابد (سلیمانی et al., 2016).

معماری معاصر نیاز به حفظ مفاهیم در کالبدی نو برای خلق معماری با هویت برای عصر حاضر دارد. نوگرایی مطلوب، پذیرش اصول و ارزش های فرهنگی و هویت بخش گذشته به همراه تجلّی مطابق نیاز انسان و نیز بومی نمودن هرآنچه که از سایر تمدّن ها وارد شده و تزاحم با ارزش های فرهنگی جامعه ندارد، می باشد .

**5-نظریه پردازان و هویت در معماری**

نظریه پردازانی در مورد مفهوم هویت در معماری و ارتباط این دیدگاه های متفاوتی بیان نموده اند. کریس ابل بر اساس دیدگاه جنکز، معماری را مجموعه ای از علوم و مهارت ها که قابلیت توصیف و تقلیل ندارند، می داند. اما عملکرد اصلی معماری را شکل دهنده ی هویت مکان معرفی می کند. وی اختلاف فرهنگی را امری طبیعی در شکل گیری هویت معماری و مناسب ترین تعریف برای هویت فرهنگی، فرایندهای خلاقانه ی تعامل فرهنگی می داند. بر همین اساس تعریف وی از معماری منطقه ای (معماری منطقه ای واقعی) حصول منطقه ای کردن الگو ها و در هم تنیدگی فرهنگی است (ابل, 1997). ابل طراحی مشارکتی، تعاملی و هماهنگ با نیازمندی های کاربران را به عنوان راه حل ایجاد پیچیدگی، تنوع و هویت بخشی به اثر معماری بیان می دارد. وی بهرگیری از فناوری و تکنولوژی مناسب را فاکتوری مهم در معماری منطقه ای می داند (ابل, 1997; سلیمانی et al., 2016).

ایموس راپاپورت نیز در این زمینه نظریاتی بیان داشته است. از دیدگاه راپاپورت، هدف اصلی طراحی، خلق و ساخت محیطی مناسب و منطبق با نیازها و خواسته های کاربران می باشد. وی معتقد است که ارتباط میان فرهنگ و محیط ساخته شده باید منعطف بوده تا طراحی تا حد امکان بی انتها باشد؛ البته این اعتقاد با تاکید بر نقش فرهنگ بر معماری بیان شده است. (راپاپورت, 1982).

اعتقاد جان لنگ بر این است که طراح می بایست به نیاز ها،تمایلات و خواسته های کاربر پاسخ دهد، و با تغییر شرایط، استدلال ها نیز می بایست تغییر یافته و بهروز گردند. محیط ساخته شده را یک مرز فرهنگی دانسته و فرم و شکل های کالبدی را متاثر از تغییرات ادراکی انسان نسبت به عملکرد جامعه می داند. جان لنگ نیز موضوع پاسخ به نیاز های کاربر از طریق طراحی را هدف اصلی طراحی می داند (سلیمانی et al., 2016). بر این مبنا او معتقد است که هر کار خلاق طراحی که حقیقتا در خدمت جامعه است، می تواند از طریق همدلی با مردم و درک قابلیت های محیط و آگاهی از تفاوت های فرهنگی رشد کند (سلیمانی et al., 2016).

تعریف کوین لینچ از هویت، تشخص معلوم و بی نظیری که به مکان یا اثر بخشیده می شود؛ و ارتباط نزدیکی با هویت فردی پیدا می کند. اجزا معنی را خوانایی، شفافیت و سازگاری می داند؛ که بیانگر ارتباط میان ارزش های غیر فضایی و شکل است. وی اعتقاد دارد که یک مکان خوب، جایی است که تا حدی با فرد و فرهنگ او متناسب باشد، فرد را از جامعه، گذشته، جهان،شبکه های زندگی و زمان و فضای اطرافش با خبر سازد (لینچ, 1981).

**6- معماری منطقه گرا**

در اواخر قرن 18 واژه ی منطقه گرایی به یک نظریه در نقد معماری مبدل شد. بر اساس این نظریه معماری بایست فعالیت هایی مبتنی بر جغرافیا، اقلیم، مصالح و سنن فرهنگی مناطق داشته باشد. توسط نظریه پردازان و توسعه ی جنبه های جغرافیایی و اقلیم، در قرن 19 و اوایل قرن 20، منطقه گرایی به نوعی ملی گرایی تبدیل شد (بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, امرئی, et al., 1392; محمدخسرو & نغمه, 1392).

نظریه منطقه گرایی در برابر برتری جویی ها و جهانی سازی و استاندار شدن ساختار ها که تفاوت های بومی را کاهش می دهند، مقاومت می کند. این رویکرد دارای طیف گسترده ای از گرایش ها و گاه متضاداست؛ ولی در هسته اصلی خود، اقلیم منطقه، فرهنگ های بومی، و تکنولوژی زمان معاصر خویش را دنبال می کند (بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, امرئی, et al., 1392). هدف بهره گیری از این روش، مقابله با جهانی شدنی مدرنیستی و دوری جستن از یکسان سازی فرهنگ ها ست.

منطقه گرایی، رویکردی انعطاف پذیر است که در هر دوره با توجه به شرایط، توصیه های گوناگونی را ارائه می دهد. این انعطاف پذیری با الحاق واژگان مکمل به واژه منطقه گرایی نمود عملی یافته و ادامه حیات این رویکرد را در شرایط حاضر ممکن می سازد. به این ترتیب واژه منطقه گرایی، ظرفیتی فراتر از معنی لفظی خود یافته و امکان پذیرش مقاصد گوناگون را می یابد (نیا, حامد, & شایان, 2008). اصل منطقه گرایی تلفیق و آشتی دادن جهانی سازی با ویژگی های هر منطقه است؛ تا به این طریق از مزایای جهانی سازی سود برده و هم ایجاد تنوع کند (بهروز & محمدخسرو, 1397). این رویکرد پیوندی با انسان، محیط زیست و تعامل با اکوسیستم دارد (بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, امرئی, et al., 1392).

**7- منطقه گرایی از دیدگاه معماران و شهرسازان**

در این زمینه تحقیقاتی توسط افراد مختلف صورت گرفته است که در جدول2 آمده است:

**جدول 2: دیدگاه معماران و شهرسازان به منطقه گرایی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | محقق | دیدگاه و نظریه |
| 1 | ویتروویوس | در ده کتاب معماری، معماری منطقه ای را به عنوان شاخص هویت گروهی خاص بیان نموده است. ویژگی های فیزیکی، رفتاری و ذهنی افراد را عامل تنوع در معماری می داند (بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, & امرئی, 1392). |
| 2 | رابرت ونتوری | حقیقت نهفته در ارتباط و ترکیب فرهنگ ها است. بدین طریق می توان افراد را بهتر درک نمود. اگر برای معماری یک روند حسی و معنوی در نظر بگیریم، می بایست از هر نوع جهانی کردن اعتقادی، نژادی و اجتماعی دوری گزید.  با جهانی شدن بیش از حد، روح محیط از بین می رود.  استفاده ی صرف از منطقه گرایی و بکارگیری ارزش های منسوخ شده نیز جالب نیست (بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, امرئی, et al., 1392; داراب, 1382). |
| 3 | رابرت آدام | باززنده سازی خرده فرهنگ ها و منطقه گرایی یک واقعه ی عام است. ضروریست که در دوره ی جهانی شدن، ارتباط با سنت ها ارزش های آن حفظ شود (بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, امرئی, et al., 1392). |
| 4 | هریس | با نگرشی مثبت نسبت به فرهنگ جهانی، تاکید بر منطقه گرایی و تفاوت ها دارد (ف. آبادی & طوسی, 1395). |
| 5 | نیوکام | نگرش به آینده را اساسی ترین تفاوت میان قوم گرایی و منطقه گرایی می داند (ف. آبادی & طوسی, 1395). |
| 6 | الکساندر زونیس | حفظ تفاوت ها و تنوع و استفاده از مزایای جهانی شدن، هدف منطقه گرایی می باشد.  وظیفه منطقه گرایی انتقادی برانگیختن معناست نه ایجاد هیجانات و احساس (ف. آبادی & طوسی, 1395; بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, & امرئی, 1392; بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, امرئی, et al., 1392). |
| 7 | شولتز | حال وهوا بخشیدن به معماری و تقویت حس مکان (بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, & امرئی, 1392; کریستین, 1382). |
| 8 | بایزیدی و همکاران | شاید معنا و مفهوم منطقه گرایی ریشه در مباحث محلی و بومی و جغرافیا داشته باشد ولی در قیاس با آن ها آزادانه تر عمل کرده و با نگاهی به آینده خود را از قیود بومی رها نموده است (ف. آبادی & طوسی, 1395). |
| 9 | مهدوی نژاد | منطقه گرایی را یک واکنش میان محیط و فرهنگ می داند و تاکید بر ویژگی های اقلیمی، فرهنگی و جغرافیایی یک منطقه دارد (ف. آبادی & طوسی, 1395). |

تاریخچه ی منطقه گرایی، نظریات و تحقیقات انجام شده، تاکید بر جنبه های اقلیمی، جغرافیایی و فرهنگی هر منطقه دارند و بهره گیری از این رویکرد معماری در جهت حفظ و حیات هویت و فرهنگ بومی و محلی مناطق می دانند. هدف بهره گیری از این روش، مقابله با جهانی شدنی مدرنیستی و دوری جستن از یکسان سازی فرهنگ ها ست.

**8- نتيجه‌گيري**

معماری منطقه ای هدفی جز تقویت هویت از طریق ارتباط دادن معماری سنتی یا بومی با جهانی سازی یا مدرنیته را دنبال نمی کند. این معماری از سویی به آرمان ها و ارزش های گذشته توجه داشته و به مسائل گوناگونی چون اقلیم، زیست بوم نیز بهره می برد. از سوی دیگر با تغییر نیازها و خواسته های انسان، جهانی سازی را کنار نمی گذارد و فقط نقدهایی به آن وارد می آورد.

با توجه به نظریه های بیان شده در مورد معماری منطقه ای و بررسی دیدگا های نظریه پردازان در این ارتباط، می توان اذعان داشت که انطباق پذیری معماری با فرهنگ، فرم، بافت، مصالح، فناوری، روح زمان، نیاز های انسان و اقلیم، هویت را در معماری زنده کرده و بخشی از نیاز های انسان امروزی که در بی هویتی زمان گم گشته است را پاسخ دهد. همچنین با بهرگیری از نمادها، ارزش ها، ویژگی های هرمنطقه، که در بحث هویت نیز مطرح شده اند، در راستای این امر بهره جست. لازم به ذکر است تاثیر تکنولوژی و جهانی سازی مطرح شده در دوران مدرن را نمی بایست از یاد برد. که اگر چنین شود فقط تقلیدی از گذشته خواهیم داشت.

**مراجع**

* آبادی, ف., & طوسی. (1395). *کاربرد منطقه گرایی درمعماری معاصر ایران با تحلیل معماری معاصر کشورهای اسلامی در حال توسعه.* Paper presented at the سومین کنگره بین المللی افق های جدید معماری و شهرسازی.
* آبادی, م. ل. (1392). بازخوانی نظری مفهوم هویت. *خردنامه*.
* ابل, ک. (1997). *معماری و هویت* (فرح حبیب ed.). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
* باغستانی, ف., & محمدخسرو, ص. (1394). تعامل گرایشهای معماری منطقه گرا با هویت مکان.
* بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, & امرئی, م. (1392). جستاری بر تبیین دیدگاههای منطقه گرایی و سیر تحول آنها در معماری معاصر. *نقش جهان-مطالعات نظری و فناوری های نوین معماری و شهرسازی, 3*(1), 7-18.
* بایزیدی, قادر, اعتصام, حبیب, فرح, امرئی, م., & مصطفی, س. (1392). جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی در معماری معاصر: تعامل یا تقابل. *هویت شهر, 11*(3), 15-27.
* بهروز, س., & محمدخسرو, ص. (1397). بازآفرینی هویت در معماری معاصر با تاملی بر رویکرد منطقه گرایی
* تابان, م., پورجعفر, م., & پورمند, ح. (1390). هويت و مكان؛ رويكردى پديدارشناسانه. *هویت شهر*.
* داراب, د. (1382). هنر گفت و گو-چارلز جنکس و داراب دیبا. *فصلنامه معماری و شهرسازی*.
* دانشپور, س. درآمدی بر مفموم و کارکرد محیط انسان ساخت.
* دشتگرد, س., & دشتگرد, م. (1390). احراز هویت به واسطه معماری.
* راپاپورت, ا. (1982). *معنی محیط ساخنه شده* (ف. حبیب Ed.). تهران: انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
* زاده, د. م. ن., & نقی, د. م. (2000). رابطه هویت «سنت معماری ایران» با «مدرنیسم» و «نوگرایی». *هنرهای زیبا, 7*.
* سلیمانی, اعتصام, حبیب, & فرح. (2016). بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. *هویت شهر, 10*(1), 15-26.
* شعبانپورخسروآبادی, ا., & امیرنژادمژدهی, م. (1394). منطقه گرایی انتقادی؛ آفرینش هویّت مدرن در معماری منطقه.
* طاهره, ن., & حميد, م. نگاهي به مقوله هويت در شهرسازي.
* قطبی, & ‌علی‌اکبر. (2008). مقاله: معماری امروز ایران و مسئله هویت: مفهوم هویت و معماری امروز ایران. *آینه خیال, 10*(1), 78-83.
* کریستین, ن. ش. (1382). گزینه ای از معماری: معنا و مکان.
* لینچ, ک. (1981). *تئوری شکل شهر* (س. بحرینی Ed.). تهران: دانشگاه تهران.
* محمدخسرو, ص., & نغمه, ت. (1392). *منطقه گرایی:رویکردی به سوی فرهنگ، جغرافیا و اقلیم منطقه*.
* نجفی, ع. (1395). بررسی مفهوم هویت در معماری.
* نژاد, م. ج. م., بمانیان, م., خاکسار, & ندا. (2012). هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن. *هویت شهر, 4*(7), 113-122.
* نیا, ک., حامد, & شایان, ح. (2008). منطقه گرایی و چالشهای معماری معاصر. *معماری و شهرسازی, 91*.
* Davis, H., & Alexander, C. (1981). Beyond Humanism. *Journal of Architectural Education, Fall*.
* Hornby, A. S., Wehmeier, S., & Ashby, M. (2005). *Niu Jin Xian Dai Gao Ji Yin Han Shuang Jie Ci Dian: Oxford Advanced Learner's English-Chinese Dictionary*: Oxford University Press.
* Rapoport, A. (1990). *The meaning of the built environment: A nonverbal communication approach*: University of Arizona Press